

Study of the Relationship Between Culture and Nature with the Local Architecture in the City of Shiraz

Mozhgan Sasani¹ 

1. Assistant professor, Department of Architecture, Dariun Branch, Islamic Azad University, Dariun, Iran
mo.sasani@iaiu.ac.ir

Article Info:

Article type:
Research Article

history:
Received:
2024/8/16

Received:
2024/9/24

Accepted:
2024/11/6

Published:
2025/2/3

Keywords:

Shiraz, Culture,
Nature, Local
Architecture.

Abstr**a**ct: Attention to collective memories, shared ethnic values, and the culture of the people of a land is essential for architects and urban designers, as architecture, as the art of creating space, is rooted in these beliefs and cultural values. The aim of this study is to focus on the roots that have shaped our contemporary architectural identity. In this context, merely observing the remaining buildings from the past and studying them is not sufficient, as many structures that were formed based on the thoughts, beliefs, and cultural values of an ethnic group have now disappeared, leaving only memories behind. These memories can be traced in ancient literary texts. Studying these texts and documents can be beneficial for better understanding and addressing many existing ambiguities in this field, as direct or indirect insights can be extracted from these sources, leading to a better understanding of the architecture of a land. Since the architecture of today's Shiraz suffers from a lack of identity and confusion, similar to other cities in Iran, this lack of identity stems from the designer's unfamiliarity with the local conditions and characteristics of the design. Therefore, a renewed understanding of its cultural and indigenous values is essential. One of the resources that can assist architects and urban designers in rediscovering forgotten identities is the study of ancient texts. Thus, this article attempts to conduct studies in the form of content analysis using literary written sources, including travelogues, poems of poets, and ancient texts, to provide evidence regarding the natural, cultural, and architectural characteristics of Shiraz. Subsequently, the relationship between the aforementioned concepts will be examined through the inferences drawn from the gathered materials. Ultimately, the study and examination of this evidence indicate a close relationship between the natural and cultural characteristics and the past architecture of the city of Shiraz.

Cite this article: Sasani, M (2025) Study of the Relationship Between Culture and Nature with the Local Architecture in the City of Shiraz, *Architectural & Environmental Research* 2(3), 267-291.
<https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2045103.1164>
© The Author(s).

Homepage: jaer.znu.ac.ir

Publisher: University of Zanjan





مطالعه تطبیقی رابطه فرهنگ و طبیعت با معماری بومی در شهر شیراز (با تکیه بر مطالعه متون ادبی)

مژگان ساسانی^۱

۱. استادیار گروه معماری، واحد دارپون، دانشگاه آزاد اسلامی، دارپون، ایران. mo.sasani@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ ها:

دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۳/۷/۳

پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۶

انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

واژگان کلیدی:

شیراز، معماری، طبیعت، فرهنگ، سفرنامه ها، متون تاریخی

چکیده: توجه به خاطرات جمعی، ارزش های قومی مشترک و فرهنگ مردم یک سرزمین برای معماران و طراحان شهری امری ضروری می باشد، زیرا معماری به مثابه هنر خلق مکان، ریشه در این اعتقادات و ارزش های فرهنگی دارد. هدف از این مطالعه، توجه به ریشه هایی است که هویت معماری امروزین ما را ساخته اند. در همین راستا، تنها مشاهده ساختمان های بر جای مانده از گذشته و مطالعه پیرامون آن ها کافی نمی باشد، زیرا بسیاری از بناها و ساختمان هایی که در گذشته بر مبنای تفکرات، اعتقادات و ارزش های فرهنگی یک قوم شکل گرفته اند، امروزه از میان رفته و جز خاطره ای از آن ها باقی نمانده است. خاطراتی که می توان رد پای آن ها را در میان متون کهن ادبی یافت. مطالعه این اسناد و مدارک می تواند در راستای شناخت بهتر و رفع بسیاری از ابهامات موجود در این زمینه مفید باشد، چرا که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می توان از خلال این منابع مطالبی را استخراج کرد و با استنباط از آن ها به شناخت بهتر از معماری یک سرزمین دست یافت. از آنجا که معماری امروز شیراز دچار بی هویتی و سرگشتگی نظیر سایر شهرهای ایران است و این بی هویتی ناشی از عدم شناخت طراح از شرایط و مختصات محلی طرح می باشد، نیاز به شناخت دوباره از ارزش های فرهنگی و بومی آن ضروری است. یکی از منابعی که می تواند به معماران و طراحان شهری در جهت بازشناسی هویت فراموش شده یاری دهد، مطالعه متون کهن می باشد. از این رو، در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از منابع مکتوب ادبی شامل سفرنامه ها، اشعار شاعران و متون کهن، شواهدی درباره ویژگی های طبیعی، فرهنگی و معماری و شهرسازی شهر شیراز در قالب روش تحلیل محتوا بررسی گردد و سپس با استنتاج از مطالب به دست آمده، ارتباط میان مفاهیم فوق بررسی شود. در نهایت، مطالعه و بررسی این شواهد نشان از ارتباط تنگاتنگ میان ویژگی های فرهنگی و طبیعی با معماری گذشته شهر شیراز دارد.

استناد: ساسانی، مژگان (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی رابطه فرهنگ و طبیعت با معماری بومی در شهر شیراز (با تکیه بر مطالعه متون ادبی). پژوهش های معماری و محیط.

https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2045103.1164 ، ۲۶۷-۲۹۱، ۱۳۲

ناشر: دانشگاه زنجان.

© نویسندگان .

DOI: https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2045103.1164

Homepage: jaer.znu.ac.ir



مقدمه

در عصر امروزی، هر جامعه‌ای معمولاً در همه جا و همه وقت بر اصالت هویت فرهنگی خود تأکید می‌کند و می‌کوشد که با قدرت و غرور مشخصه‌های این هویت را زنده نگه دارد و از آن دفاع کند. هویت فرهنگی جامعه را گذشته تاریخی، حماسه‌های آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی تشکیل می‌دهد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸، ۱۱۱). توجه به این عناصر هویت‌ساز نظیر خاطرات جمعی، باورها و ارزش‌های قومی مشترک، فرهنگ گذشته مردم یک سرزمین و شناخت عمیق آن برای یک طراح — اگرچه بومی — الزامی است، چراکه این شناخت سبب می‌شود تا رسالتی را که وی در راستای حفظ و زنده کردن این ارزش‌ها و در جهت تأکید بر هویت فرهنگی اصیل خویش بر عهده دارد، آگاهانه‌تر به انجام رساند. یکی از راه‌های دستیابی به این شناخت، مطالعه و بررسی ادبیات یک قوم می‌باشد، زیرا پاره‌ای از اسناد و منابع ادبی همچون اسناد

و مدارک و نگارش‌های مورخین، همیشه داعیه حقیقت دارند و یکی از راه‌های انتقال فرهنگ مردم و دانش بشری در دوره‌های مختلف، این دسته از آثار مکتوب بوده‌اند.

روش پژوهش

اصطلاح تحلیل محتوا نامی است کلی برای روش‌های تحلیل، مانند: روش‌های ژرفانگرانه یا درونی که در آن کیفیت محتوایی داده‌ها مورد تفسیر یا تأویل و تبیین واقع می‌شوند و دیگری تحلیل ساختاری است که به شکل واژه‌ها، قرار گرفتن آن‌ها در جمله‌ها، سبک و حجم مطالب بر حسب موضوع و ... می‌پردازد. واژه‌های متفاوتی مانند تفسیر، تأویل، تعبیر، تبیین، تحلیل مضمون و حتی آنالیز، برای تحلیل محتوا به کار برده می‌شوند که گاه شاخه‌ای از تحلیل محتوا را مشخص می‌کند و گاه هر یک از آن‌ها کاملاً هم‌تراز با اصطلاح تحلیل محتوا به طور عمومی یا کلی به کار برده شده‌اند. در یک رویکرد کلی، تحلیل محتوا در واقع کشف محتوای پنهان داده‌ها یا واحدهای مورد تحلیل از ورای گفته‌ها،

مبانی نظری پژوهش

جستجوی ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی شهر شیراز در متون ادبی

لازم به ذکر است که با توجه به گستردگی و تعدد منابع، زمان زیادی جهت مطالعه و استنباط مورد نیاز است. از سویی، مطالب استخراج‌شده به زمان و حجم زیادی جهت بیان نیاز دارد که در قالب یک مقاله گنجانیدن آن امری غیرممکن می‌باشد. به همین سبب، در این مقاله به ارائه چندین نمونه از مطالب استخراج‌شده بسنده شده است. البته این امر ممکن است سبب ایجاد ذهنیتی مبتنی بر گسستگی میان مطالب در خواننده گردد که لاجرم با توجه به آنچه گفته شد، اجتناب از این امر غیرممکن می‌نمود. مطالب استخراج‌شده تحت سه عنوان کلی «محیط طبیعی»، «محیط انسان‌ساخت» و «انسان» دسته‌بندی گردیده است که هر عنوان دارای چندین زیرعنوان می‌باشد. در این مقاله به آوردن چند مورد از آن‌ها بسنده شده است.

۱. طبیعت شهر شیراز

تصویرها، معماری و شهرسازی، رمزها و نشانه‌ها و نمادهای مادی و معنوی، اجرای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، باورها یا اعتقادات مذهبی و هزار مورد دیگر است (دهقانی، ۱۳۸۶). تحلیل‌گر مانند باستان‌شناس است و روی آثار کار می‌کند، می‌تواند اسنادی را پیدا کند یا آن‌ها را برانگیزد. ولی این آثار تظاهرات حالات، اطلاعات و پدیده‌ها هستند و اصلی نیستند و با توسل به آن‌ها می‌توان از میان آن‌ها چیزی را کشف کرد (لورنس باردن، ۱۳۷۵، ۳۹). در هر تحلیل محتوا باید هدف استنباط‌ها به روشنی بیان شود. هدف استنباط چیزی است که تحلیل‌گر در پی شناخت آن است. از آنجا که تحلیل محتوا شناخت متنوعی اطلاعاتی درباره چیزی فراهم می‌آورد که مستقیماً قابل مشاهده نیست، این هدف در بخش متغیر متن داده‌های موجود قرار دارد. گو اینکه در مرحله تصمیم‌گیری درباره کانون توجه جای کافی برای مطالعات اکتشافی وجود دارد، محقق نهایتاً باید جهت‌گیری روشنی پیدا کند (کلوس کریپندورف، ۱۳۷۸، ۳۳).

گوارا و درختان سردسیری و گرمسیری مانند شلیل و گیلان و انار و انجیر و نخل و نارنج در خانه‌های شیراز به خوبی پرورش کند و زبانی از سردی زمستان و گرمی تابستان نبینند و بازار شیراز در همه وقت پر از میوه‌های گوناگون است، درویش و مالدار در تناول میوه‌جاتش یکسانند» (شیرازی، ۱۳۱۳، ۲۰).

فرصت‌الدوله شیرازی نیز در کتاب «آثار عجم» در باب اعتدال آب و هوای شهر، چنین آورده است:

«هوای شیراز قریب به اعتدال است، آتش از رود و قنات و چشمه‌سار، در هیچ فصلی از فصول نیست که صحاری و براریش خالی از خضارت و نصارت باشد. در بهاران هوایش عنبریز و بهتر از تمام روی زمین، خاکش طرب‌خیز و نمونه بهشت برین، طراز جبالش دیبه شتری است و فراز تلالش جامه عبقری، آتش گواراتر از کوثر و تسنیم، نسیمش مشک‌بوی و عطر شمیم، اراضی‌اش منبت اشجار و منبع انهار، فواکه گرمسیری و سردسیری آن بسیار و مرکباتش از هر نوع بی‌شمار، سیب ترش و انارش منحصر،

ارزیابی عوامل محیطی و اقلیمی مؤثر بر ساخت اصلی شهر شیراز نشان داد که چهار عامل شامل بستر طبیعی رودخانه، باغات و ارتفاعات از اصلی‌ترین عوامل محیطی تأثیرگذار بر شکل‌گیری ساخت اصلی شهر به شمار می‌روند (بذرگر، ۱۳۸۱، ۱۶۷). همچنین از اهمیت ویژگی‌های آب و هوایی شیراز در کنار عوامل مطرح‌شده نمی‌توان غافل ماند. در ادامه به بررسی موردی عوامل محیطی مطرح‌شده در متون ادبی به تفکیک پرداخته شده است:

۱.۱. هوا

از ویژگی‌های طبیعی شهر شیراز که آن را از سایر شهرها متمایز می‌ساخته است، می‌توان به اعتدال آب و هوای آن اشاره کرد که از دیرباز در متون ادبی و کهن بسیار زیاد به این مورد اشاره و پرداخته شده است. در کتاب «فارسنامه ناصری» از قول نویسنده کتاب چنین آمده است:

«هوای چهار فصلش معتدل و نسیم صبا و شمالش راحت دل، آب تابستانه را به برف کوه دراگ دو فرسخ مغربی شیراز، سرد کنند. آب چاهش شیرین و

انگور و خیارش وافر، سرو را مخصوص در آن نموی به نیکویی است که در کمتر بلادی بدان زیبایی و دلجویی است» (شیرازی، ۱۳۲۷، ۴۲۷).

۲.۱. باغات

از قدیم‌الایام تاکنون در وصف طبیعت زیبا و سرسبز باغات شهر شیراز، شعرهای زیادی سروده شده و سخن‌های بسیاری در مدح آن گفته شده است. در همین باره از سفرنامه‌ها و متون ادبی کهن مطالبی برداشت شده است که به خوبی بیانگر طبیعت زیبا و سرسبز شهری است که شاعران، سخنوران و سیاحان بزرگ غربی در وصف آن سخن گفته و انگشت حیرت به دهان گرفته‌اند:

کیست که همراه من بیاید از جاده‌ای که از میان درختان نارنج غرق شکوفه می‌شود و باد پیوسته چون پرنده‌ای خندان و گریان از خلال شاخ و برگ‌های آن می‌گذرد، به سوی فارس برویم و گل‌های شیراز را بچینیم؟ مهربانی که عشق در دل و اشک در چشم دارد، یا خواننده‌ای، یا گدایی ژنده‌پوش لنگان‌لنگان با من همراه خواهد شد، یا شاید تو ای بیگانه عزیز که

آمده‌ای تا پیش از آنکه خزان بر سر انگشتان خود گلها را پرپر کند، چهارگل فارس را بچینی؟ (کلنگور، ۱۳۳۱).

به شیراز رفتیم، شهری است قدیمی و وسیع و مشهور و آباد، دارای باغ‌های عالی و چشمه‌سازهای پرآب و بازارهای بدیع و خیابان‌های خوب. صنف‌های دیگر در میان آنان داخل نمی‌شوند... در شرق زمین هیچ شهری از لحاظ زیبایی بازارها و باغ‌ها و آب‌ها و زیبایی مردمان به پای دمشق نمی‌رسد، مگر شیراز. این شهر در زمین مسطحی واقع شده و گرداگرد آن راهر سو باغ‌ها فرا گرفته و پنج نهر از وسط شهر می‌گذرد (ابن بطوطه، ۱۳۳۷، ۱۹۴).

آثار نزهت گلزارش بر نعیم بهشت باقی منت نهاده و چرخ مینایی به تماشای باغ بنفشه او چشم بر گشاده. غیرت اعتدال ربیعی که فلک راهب‌آسا به تماشای حریف چون بهار او به زیر می‌آید، فصل زمستانش که غنیمتی است بارد، کانون حجره جان را به فصل قانون نسیمات آثار در قلب چون قلب شتا: ان قلب الشتا فواکه‌ها از آفت صرصر خزان انده‌ان

محمی و محروس می‌دارد (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰، ۴).

چیزی که در شیراز بیشتر قابل توجه می‌باشد، باغ‌های شیراز است که بیست عدد آن بی‌نظیر و دارای درخت‌هایی است که در هیچ جای دنیا به قشنگی آن دیده نمی‌شود. ارتفاع بعضی از درخت‌ها به قدری است که با هیچ تیر رأس آن را نمی‌توان نشانه نمود و سه نفر باید دست بدهند تا بتوانند محیط آن را در بغل بگیرند (شاردن، ۱۳۷۲، ۲).

دل می‌برند قزوینیان، شکرلبند تبریزیان، خوبند اصفهانیان، من بندهام شیراز را...

در زیر پای ما و در جلگه سرسبز و حاصلخیزی که محصور به کوه‌های ارغوانی‌رنگ بود، شهر شیراز زاد و بوم فرهنگ مهر و نبوغ ایران و حرم شهر و حکمت در میان باغ‌های پر از سرو شاهوار که جولانگاه غوغای گل سرخ و ارغوان‌های پر شکوفه و گل‌های دیگر است، به خواب رفته بود. در جامه سبز بهاریش که تا پشت بام بازارها گسترده شده بود، مناره‌های باریک و گنبدهای

نیلگون چون نگین‌های گوهر بر جامه عروس می‌درخشیدند. دیدگان من که بر این منظره بدیع دوخته شده بود، به زحمت می‌توانست زیبایی‌های دورتر، یعنی درخشندگی لاجوردی‌رنگ دریاچه مهارلو را در شرق و باغ‌های بی‌پایان مسجد بردی را در مغرب نظاره کند. کلمات از ادا وصف خلصه‌ای که به من دست داد عاجزند، چه پس از طی راه دور و دراز و خسته‌کننده، بالاخره واقعیتی را می‌دیدم که مدتها در عالم رؤیا به آن اندیشیده بودم و اکنون می‌دیدم که حقیقت نه تنها به امالی که من پیش خود مجسم کرده بودم برابر است، بلکه به مراتب از آن زیباتر است** (براون، ۱۳۷۱، ۲۳۸).

چطور است که امروز در دشت خرم، آسمان کوهستان را چنین تنگ در برگرفته؟ چرا در این مه بامدادی امروز مناظر تازه‌ای هویدا شده؟ راستی آیا این پست و بلندی‌های زیبا سرآورده‌هایی است که وزیر سلطان برای زنان زیبای حرم خود برافراشته؟ آیا این پوشش زیبای زمین فرشی است که زیر پای سوگلی او

گسترده شده؟ همه جا چنان سرخ و سفید است که زیباتر از آن منظره‌ای نمی‌توان دید. ولی ای حافظ، مگر راستی شیراز ترا به این سرزمین مه‌آلود شمالی آورده‌اند؟ اگر این شیراز نیست، پس کجاست که این قدر زیباست؟ (گوته، ۱۳۸۰).

در این محل که طبیعت‌سنجی بوده است، زیبایی‌ها و محاسن طبیعت و جنگل‌های نخل اطراف شهرها و بوستان‌های سحرانگیز شیراز را که به تنهایی نام آن طراوت و زیبایی و شعر در خاطر انسان مجسم می‌کند، شعرا با بیانی بی‌شائبه و جذاب به شعر مجسم کرده‌اند. شیراز، این کلمه افسون‌انگیز که برای ما مظهر زیبایی‌های مشرق زمین است، کلمه‌ای که مانند الفاظ دعا خود به خود زیر لب بر زبان جاری می‌شود، شیراز پرگل و پرافتخار و شب‌های زیبای آن پیوسته عنوان تغزلات شعرا بوده است (شانور، ۱۳۳۵، ۲۷).

فارس بزرگ‌ترین استان ایران و زیباترین و زرخیزترین آن‌ها است. شهرت این استان بر اساس نامش است که به تمام کشور داده شده و نیز آب و هوای خوب

و آثار باستانی و شهرهایش که در زیبایی شهرت دارند و مردان نامداری که از آن برخاسته‌اند. در چند فرسنگی شیراز که به راستی می‌توان آن را بهشت روی زمین دانست، ویرانه‌های شگفت‌انگیز تخت‌جمشید قرار دارد (دروویل، ۱۳۶۴).

از دیدن این منظره زیبا و آراسته، من خیال کردم که به حدائق معلقه بابل وارد شده‌ام. گل‌های سفید و سرخ از حرارت آفتاب کمی متأثر و پژمرده شده بودند، اما درختان انار و به و مرکبات در زیر بار میوه‌های معطر و آب‌دار خود به‌طوری خم شده بودند که شاعر از تماشای آن‌ها مبهوت می‌گردید و نمی‌توانست چنین منظره‌ای را آن‌طور که باید و شاید به شعر توصیف کند (دیولافوا، ۱۳۳۲، ۴۱۲).

نجیب‌زاده‌ای اسپانیولی به نام "دن گارسیا د سیلوا" یه فیگوئرا" در سال ۱۶۱۴ میلادی و همزمان با پادشاهی شاه عباس صفوی و به فرمان فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا به ایران می‌آید و در راه سفر خود به اصفهان به شهر لار وارد می‌شود و حاکم لار با چهارصد سوار و با ساز و دهل به استقبال او می‌آیند. اما هنگام

ورود به شیراز، حاکم شهر استقبال باشکوه‌تری از او می‌کند. دن گارسیا در سفرنامه خود شیراز را به زیبایی والنسیا و قرطبه تشبیه می‌کند و می‌گوید باغ‌های اطراف آن فوق‌العاده زیباست و در ادامه سفر خود به سمت اصفهان از تخت‌جمشید نیز بازدید می‌کند و این ویرانه‌ها اعجاب او را برمی‌انگیزد و با دقت و علاقه‌مندی زیادی به وصف جزئیات آن‌ها می‌پردازد. به عقیده دن گارسیا، این ویرانه‌های با عظمت باشکوه‌تر از اهرام مصر و زیباتر از معابد یونان است و می‌گوید: "در اینجا هنر و عظمت به وحدتی همیشگی رسیده است." و حتی در توصیف اصفهان می‌گوید باغات اطراف شهر زیبا بود، ولی به پای باغ‌های شیراز نمی‌رسید (جوادی، ۱۳۷۸، ۱۹۰).

۳.۱. ارتفاعات اطراف شهر

کوه‌هایی که اطراف دشت شیراز را فرا گرفته‌اند، منظره زیبایی ایجاد کرده‌اند که از داخل شهر به این ارتفاعات دید مطلوبی ایجاد شده است. این امر سبب شده است تا معماری شیراز در بسیاری موارد،

خصوصاً کوشک‌ها و خانه‌ها، به قسمی برون‌گرا بوده و به این دید زیبا توجه گردد. مطالب زیر به این امر اشاره دارد: شیراز از اطراف محاط به کوهستان‌های مختلف شده و بسیار حاصلخیز است و در حقیقت یکی از زیباترین مناظر ایران می‌باشد. کوه‌های شرقی آن را کوه بمو که در دو فرسخی واقع است نامیده‌اند. کوه‌های جنوبی بیش از یک فرسخ فاصله نداشته و آن را کوه مهارلو می‌نامند. کوه‌های غربی به کوه سه‌چنار و کوه‌های شمالی کوه درمان معروف است (شاردن، ۱۳۷۲، ۱).

باغ نوقصری کوچک است که در وسط باغ بزرگی بنا گردیده است. در این باغ انواع درختان سرو، لیمو، ترنج، مورد، انار و سایر میوه‌های گرم کاشته شده است. این باغ همیشه در اثر برگ‌های سبز درختان خرم و دلفریب است. اتاق‌ها تزئیناتی ندارند، مع‌هذا بسیار قشنگ. تالار پذیرایی یا دیوانخانه از اطراف باز و شهر دشت و امکنه اطراف از آن پدیدار است. از طرف جنوبش نیز کوه‌های قشنگی آن را تزیین ساخته‌اند. در جلوی پنجره‌ها

حوض هشت‌گوشی است که آب زلالی در آن جستن می‌کند و بیش از پیش بر زیبایی و حسن باغ می‌افزاید (فلاندن، ۱۳۲۴، ۲۶۸).

دورادور شیراز را کوه‌های نسبتاً بلندی فرا گرفته است: کوه‌های شمالی عبارت‌اند از: «کوه چهل مقام» (بین دروازه‌های قرآن و تنگ سعدی)، «باباکوهی» (بین تنگ الله اکبر و تپه تلویزیون)، «کوه پشت مله» (بین پردیس ارم تا بیمارستان چمران)، «کوه توسیاه»، «تنگ منصورآباد» و «کوه دراک». در غرب شیراز کوه دراک قرار گرفته که از دور همانند شخصی است که به پشت خوابیده و دارای شکم بسیار برجسته‌ای است، به همین دلیل در گذشته به این کوه «مستسقی» هم می‌گفتند؛ که منظور فرد شکم برجسته است. در سمت شرق شیراز «کوه قلعه بندر»، «کوه احمدی» و «برم دلک» قرار دارد. در جنوب شیراز «کوه قره‌باغ» و «سبزپوشان» واقع شده است (محمدی، ۱۳۸۵، ۳۲).

محصور بودن دشت شیراز در ارتفاعات، راه‌های طبیعی خروج از دشت،

یعنی تنگه‌ها را نیز با خود دارد. تنگ الله اکبر و تنگ خرامه در شمال شهر، تنگ سرخ، تنگ جاده کازرون در غرب، تنگ کیان‌آباد، کرونی و سه‌راهی کوار در جنوب و جنوب شرق از آن جمله‌اند. ارتفاعات با تپه‌های کم‌ارتفاع میان رود در جنوب و همچنین کوه‌های شمال و شمال شرق تا کوه مرتفع دراک، نه آنقدر بر دشت مسلط است که آن را با سایه‌های بلند خود بپوشاند و فضای دشت را تنگ نماید و نه آنقدر کوتاه و پست که در سایه ساخت‌وسازهای بلندمرتبه قرار بگیرد. این کوه‌ها به عنوان حجم ممتد و پیوسته در منتهی‌الیه ضلع شمالی منطقه، عناصر کالبدی مصنوع شهر را در مقابل خود انتظام می‌بخشد و با ایجاد حس مکان و تقویت جهت‌یابی در شهر و خوانایی سازمان فضایی آن موجب هویت‌بخشی به شهر می‌گردند. گسترش طولی دشت در امتداد رشته‌کوه‌های زاگرس امکان داشتن دید را هم در محورهای شرقی — غربی و هم شمالی — جنوبی به ساکنان شهر داده است و بدین ترتیب عناصر طبیعی و انسان‌ساخت، که

احیاناً در شیب ملایم دشت و شیب‌های تندتر پای کوه‌ها به وجود آمده‌اند، امکان تنوع‌بخشی به فضاهای شهری را نیز فراهم می‌کند (طرح ساماندهی سیمای شهری شیراز، ۱۳۸۶).

۴.۱ آب

از دیرباز آب در فضاهای زندگی مردم شیراز نقش مهمی داشته است، چراکه اعتقاد به آب در زندگی مردم تا جایی بوده است که آب چشمه سعدی را به جهت رفع سحر و جادو و روا شدن حاجت مقدس دانسته و استفاده می‌کرده‌اند. پس به درستی، چگونه می‌توان حضور آب را در فضاهای زندگی انکار کرد؟ شواهد بسیاری دال بر این ادعا در متون مختلف، از متون ادبی کهن تا سفرنامه‌ها آورده شده است که در ادامه نمونه‌هایی از آن‌ها آورده شده است. امروزه آب شیراز عموماً از چاه است، فقط یکی دو چشمه معروف اکنون در شیراز جاری است، از جمله آن‌ها رکن آباد می‌باشد.

آب رکن آباد چشمه‌ای است در شیراز با رونق و صفای آب روی صدیقان،

به خوش‌گواری آب حیوان، از غیرتش اشک دجله از دیده بغداد روان است، حصبایش به خاصیت در وعقیق و مرجان است، فرات از رشک او نیل غیرت بر چهره اشک‌آلود کشیده، دجله از دستبرد او بسی جفا از روزگار دیده است. اگر قطره‌ای از آن آب در آذر در رسد، در حال از آتش گل تازه روید و اگر جرعه‌ای از آن در رحلق عمر به سر رفته چکد، در ساعت زندگی از سر گیرد. آبی است که چون دست مریم شاخ خشک را بارور می‌گرداند و چون دعای مسیح خستگان مرفوع‌الطمع را به سرچشمه حیات می‌رساند (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰، ۲۳).

این شهر در زمین مسطحی واقع شده و گرداگرد آن را هر سو باغ‌ها فرا گرفته و پنج نهر از وسط شهر می‌گذرد. یکی از آن‌ها نهر معروف رکن آباد است که آب شیرین و گوارایی دارد. آب این نهر در زمستان گرم و در تابستان بسیار خنک است و سرچشمه آن در دامنه کوهی به نام قلعه واقع شده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷).

جهت طراحی فضاهای زندگی آن‌ها امری ضروری می‌نماید. از این رو، آشنایی با این ویژگی‌های بومی و فرهنگی برای طراحان لازم است. از آنجا که امروزه بسیاری از ارزش‌های فرهنگی به فراموشی سپرده شده است، جستجو در متون کهن در جهت آشنایی، احیای مجدد و حفظ این ارزش‌ها راهی مؤثر می‌باشد. وصف خوش‌گذرانی‌ها، درویش‌منشی، مهمان‌نوازی و بسیاری از خصوصیات اخلاقی مردم شیراز در مطالب گزینش‌شده آورده شده است. چنانکه شاعر پارسی‌گوی شیرازی در وصف هم‌شهریان خویش چنین می‌گوید:

در اقصای گیتی بگشتم بسی
به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه‌ای یافتم
ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم
چو پاکان شیراز خاک نهاد
ندیدم که رحمت بر این خاک باد
(بوستان، دیباچه: ۷۳)

در سایر متون نیز در باب خصوصیات اخلاقی مردم شیراز چنین نقل شده است: حافظیه محل گشت‌وگذار

در کنار راه، نهر باریکی وجود دارد که آبش زلال و پاک است. ایرانیانی که همراه ما هستند، به محض اینکه چشمشان به نهر می‌افتد، فریاد شادمانی سر می‌دهند: "رکن آباد، رکن آباد" و با عجله خود را به آن می‌رسانند و با آب زلالش دست و رویشان را می‌شویند. پس این همان نهر است که حافظ مشهور ایران در اشعار فناناپذیرش، آنقدر با احساس از آن سخن گفته است... (بروگش، ۱۳۷۴، ۲۳۵).

رکن آباد چشمه‌ای است که خضر را به تماشای آن پای در لای حیرانی فرو رفته و از روی تعجب در آن تنگ روزی هزار الله‌اکبر گفته است. آب کوثر مثالش عین‌الحیات را در آتش خجلت انداخته، فضای زلالش چشمه آفتاب را غرق عرق ساخته است. آبی است روح‌افزا، روح‌فزایی راحت‌زا، راحت‌زایی خوش‌گوار، خوش‌گواری سازگار، سازگاری جان‌پرور، جان‌پروری چون کوثر (شیرازی، ۱۳۵۰، ۴۲۵).

۲. ویژگی‌های فرهنگی شهر شیراز

توجه به خصوصیات و ویژگی‌های روحی، روانی و فرهنگی مردم یک منطقه

حافظ) مولدشان در این سرزمین است (فلاندن، ۱۳۲۴، ۲۶۹).

شیراز برج اولیا و مکان شهر است و جای پرهیزگاران و محل و مقام عزیزان و پیران است. شهری است که در مسلمانی بنا کرده‌اند و هرگز به سبب بت‌پرستی پلید نشده و مقصد عالمان و عبادتگاه پاکان گشته و مسکن بزرگان و برگزیدگان است. بدان که شیراز را بر دیگر شهرها افضل است و علماء شیراز و عبادان بر بیشترین علما و فضلاء دیگر افضلند (جنید شیرازی، ۱۳۲۸، ۴).

این شهر برج الاولیا بود. جایی که مسلمانان راستین عمری را به نماز و روزه و دعا می‌گذرانند. ثروت و دارایی خود را صرف کمک به فرودستان و نیازمندان می‌کردند (لیمبرت، ۱۳۸۶، ۱۳۷).

اگر تمام شیرازی‌ها زاهد و عابد می‌بودند، شیراز نمی‌توانست دوام اقتصادی پیدا کند. به همین دلیل هم اگر تمام ساکنان آن خرابات‌نشین بودند، نمی‌توانست دوام بیاورد. اکثریت شیرازی‌ها نه زاهد عابد بودند و نه رند خرابات‌نشین، بلکه با هر دو فرقه به

شیرازی‌هاست. دسته به دسته آنجا می‌آیند، بعضی غزلیاتش را می‌خوانند و برخی در زیر درختان لیمو لم داده و صبح تا شامی را به کشیدن قلیان و گفتگو به سر می‌برند (فلاندن، ۱۳۲۴، ۲۶۸).

خلقش درویش‌منش و پاک‌اعتقاد و به اندازه رتبه خود کریم‌وجود خدای تعالی را ستایش و پادشاه را به نیایش پرستند. غریب‌نواز و با آشنا و بیگانه مهربان و دمساز. علما و فضلاء و شعراء از این شهر برخاسته‌اند، به این جهت آن را دارالعلم گویند (شیرازی، ۱۳۱۳، ۲۰).

تمام کسانی که راجع به ایران مطالعه کرده‌اند، در این گفته متفق‌القول هستند که شیراز نه تنها مکان زیبایی است، بلکه سکنه آن بین ایرانیان از همه خوش‌ذوق‌تر، اجتماعی‌تر و بانشاط‌تر می‌باشند (براون، ۱۳۷۱، ۲۳۹).

اهالی شیراز از کلیه اهالی ایران گیرنده‌ترند. انسان به زودی فریفته آن‌ها شده، دوستشان می‌دارد. آن‌ها خوش‌لهجه و مهمان‌دوستند. این شهر لیاقت دارد به سایر شهرهای ایران مباحثات کند، چه دو نفر از بزرگ‌ترین شعرای آسیا (سعدی و

گونه‌ای مسالمت‌آمیز به سر می‌بردند. توان اصلی و قدرت واقعی شیراز در تنوع آن بود. شیراز این قابلیت را داشت که می‌توانست رفتارهای گوناگون را تحمل کند، بی‌آن‌که زیر فشار گروه‌های ناهمگون و مخالف یکدیگر فرو ریزد. شیراز نه تنها مداراگر بود، بلکه به تنوع نیز ارزش می‌داد. چراکه حضور چنان طیفی از سلیقه‌های گوناگون - رندان خرابات‌نشین، زاهدان گوشه‌نشین، شعرا، وعاظ... سبب غنا و تنوع زندگی شیراز می‌شد. این مسأله یعنی ارزش دادن جامعه به تنوع، سبب ایجاد تنوع در زندگی مردم شیراز و تنوع‌طلبی ایشان شده است (لیمبرت، ۱۳۸۶، ۱۳۷).

اشعه این آفتاب باشکوه تمام مملکت ایران را در روشنایی خود غرق کرده بود، اما اثر حرارت ملایم و مطبوع آن در شیراز بیشتر محسوس می‌گردید و ساکنین شهر با آرامش خاطر و خوشبختی بی‌ظنری زندگی می‌کردند. همه با آزادی تام روزها را با عیش و نوش و تفریحات به سر می‌بردند. شراب مانند آب سیل بود و در جشن‌ها و مهمانی‌ها وسیله سرگرمی

و خوشی بود. سینه‌ها به قدری مالا مال عشق بود که جز ترانه‌های عاشقانه صدایی به گوش نمی‌رسید (دیولافوا، ۱۳۳۲، ۴۱۲).

مردمش عموماً از طریق اعتدال دور، به وهم و خیال مغموم و مسرورند، چنان‌که امیر تیمور گورکانی در رساله خود گفته که اهل فارس به خیالی خرم و به وهمی در غم‌اند. نوشته‌اند که مردم شیراز صوفی‌نهاد و صاف‌اعتقاد و به حسنات و خیرات مایلند (شیروانی، ۱۳۴۷، ۳۲۵).

حکایت کنند که کریم‌خان وکیل در کنار همین میدان که یک طرفش کاخ سلطنتی و طرف دیگرش محله موردستان است، برج بلندی بنا نهاده بود که شب‌های تابستان بالای آن می‌رفت و شهر را تماشا می‌کرد. روی همه بام‌ها که فانوس‌های رنگین روشن می‌دید، از بساط عیش و نوش مردم شاد و خرم می‌شد و اگر از خانه‌ای صدای ساز و آوازی بلند نبود، می‌فرستاد تحقیق کنند که ببینند بر سر مردم آن خانه چه آمده که خاموش نشسته‌اند (ساسانی، ۱۳۴۱، ۱۲۷).

۳. معماری بومی شهر شیراز

در رابطه با معماری خانه‌ها و بناهای سنتی شهر شیراز در متون ادبی مطالب بسیار زیادی آورده شده است و از این فضاها برای شکل‌گیری روایت داستان‌ها استفاده شده و این فضاها به خوبی تصویرسازی شده‌اند. در ادامه برخی از این مطالب آورده شده است:

معماری مسکونی شیراز در روند مطالعاتی ما، حلقه زنجیری است که پیوندی دو جانبه با معماری درون‌گرای نقاط مرکزی و معماری برون‌گرای بعضی از نقاط دیگر دارد. به عبارت دیگر، حلقه رابطی به بوشهر و بوشهر نیز کاملاً برون‌گرا می‌باشد (معماریان، ۱۳۸۴، ۱۱۵).

خانه‌های شیراز که در گذشته در دل باغ قرار گرفته بوده‌اند و از سویی باغ نیز در دل آن‌ها قرار یافته است، چنین توصیف شده‌اند:

اغلب خانه‌های شهر دارای دیوارهای آجری ساده و فاقد تزیینات هستند و در ورودی کوچکی دارند که در وسط دیوار تعبیه شده است. در پشت پاره‌ای از این

دیوارها باغ‌های دل‌انگیزی وجود دارد که در آن‌ها گل رز، یاسمن، نسترن و گل‌های رنگارنگ دیگر کاشته شده‌اند و درختان مرکبات با میوه‌های زرد و طلایی‌شان به آن‌ها زینت بخشیده‌اند (بروگش، ۱۳۷۴، ۲۳۵).

عمارت عبارت بود از یک ردیف اتاق‌های کوچک و بزرگ که در جلو آن‌ها ایوانی به طول بیست ذرع و عرض دو ذرع و نیم انداخته بودند که چندین ستون گچی داشت. پشت تمام بنا حیاط خلوت با گلخانه و آشپزخانه و اتاق‌های مستخدمین ساخته شده بودند. جلو ایوان یک حوض بزرگ مربع بود که اطرافش گل کاری مفصل داشت. به درختان جلو ایوان قفس‌های بلبل آویزان بود که چه‌چه می‌زدند (ساسانی، ۱۳۴۱).

باغچه‌های خانه نیز با گیاهان همیشه‌سبز چون نارنج، پرتقال و نارنگی مزین شده و انواع گل‌های زیبا در کار آن می‌کاشتند. این نحوه تزیین و آرایش حیاط خانه‌ها ارتباط مستقیم با روح علاقه به سرسبزی و خرم‌دوستی ساکنین آن و کلاً اهالی شیراز داشته است (معماریان،

۱۳۸۴، ۱۱۵).

باغ نو قصری کوچک است که در وسط باغ بزرگی بنا گردیده است. در این باغ انواع درختان سرو، لیمو، ترنج، مورد، انار و سایر میوه‌های گرم کاشته شده است. این باغ همیشه در اثر برگ‌های سبز درختان خرم و دل‌فریب است. اتاق‌ها تزئیناتی ندارند، مع‌هذا بسیار قشنگ. تالار پذیرایی یا دیوانخانه از اطراف باز و شهر دشت و امکنه اطراف از آن پدیدار است. از طرف جنوبش نیز کوه‌های قشنگی آن را تزیین ساخته‌اند. در جلوی پنجره‌ها حوض هشت‌گوشی است که آب زلالی در آن جستن می‌کند و بیش از پیش بر زیبایی و حسن باغ می‌افزاید (فلاندن، ۱۳۲۴، ۲۶۸).

آنچه از مطالعه مطالب فوق به دست می‌آید، به خوبی نشان‌دهنده ارتباط دیرینه فضاهای زندگی مردم شیراز با طبیعت سرسبز آن و وجود فضاهای باز و نیمه‌بازی چون ایوان، تالار و حیاط در این خانه‌ها بوده است. خانه‌هایی که تا گذشته‌ای نه چندان دور وجود داشته‌اند و هنوز نیز در کوچه‌باغ‌های قدیمی شهر

می‌توان ردپایی از آن‌ها مشاهده کرد. چنان‌که نویسنده معاصر شیرازی، خانم "سیمین دانشور" در وصف آن‌ها چنین گفته است:

بله، این {خانه} شهر من است و وجب به وجب خاکش را دوست دارم. تپه پشتش، ایوان سرتاسری دور عمارت، دو جوی آب دو طرف خرنده، آن دو تا درخت نارون دم باغ، نارنجستانش را که نارنج‌هایش را خودت با دست خودت کاشته‌ای، آن درخت هفت صنوبر را که خودت هر سال یک میوه‌اش را پیوند زدی، عرق‌گیر همسایه را با تلنبار گل‌ها و سبزی‌های هر فصلش، گل‌ها و سبزی‌هایی که حتی اسمشان آدم را خوشحال می‌کند. بیدمشک، اترج، شاطرونه، تارونه، نسترن و از همه بیشتر شکوفه‌های بهار نارنج و عطری را که از آنجا به باغ ما می‌آید. گنجشک‌ها و سارها و کلاغ‌ها که خانه ما را خانه خودشان می‌دانند... (همان، ۱۳۵۲، ۲۶).

در این داستان شاید در مجموع در چندین صفحه از فضاهای بسته سخن گفته شده باشد و اکثر وقایع داستان در

به زیر ابر می‌رفت و گاه با هزار عشوه و دلربایی خود را نشان می‌داد و دوباره پنهان می‌شد. پس از خوردن شام، گردش در باغ و چیدن گل‌های نیمه‌شکفته و می‌گساری فراوان، رختخواب‌ها را در ایوان انداختند و به ردیف خوابیدند (ساسانی، ۱۳۴۱، ۲۰۰).

در برخی از خانه‌های شیراز، فضایی نیمه‌بسته به نام تالار دیده می‌شود. این فضا هم در قسمت زمستان‌نشین (رو به آفتاب) و هم تابستان‌نشین (پشت به آفتاب) قرار دارد. ایوان فضایی کوچکتر از تالار است که معمولاً در جلوی یک اتاق قرار گرفته و نمونه‌های جالب آن در برخی خانه‌ها قابل مشاهده است (معماریان، ۱۳۸۴، ۱۱۶).

از اواخر شهریورماه مردم شروع می‌کردند به تهیه مواد غذایی، سوخت و سایر نیازمندی‌های زمستانی. البته اکثر چاشنی‌های غذا مثل آب غوره، آب لیمو، رب و امثال آن را در فصل تابستان تهیه می‌کردند. موارد تهیه‌شده از ساخت ترشی‌های مختلف، پختن رب گوجه‌فرنگی، تهیه رب انار شروع

ایوان و حیاط خانه روی می‌دهد و این امر نشان می‌دهد که این گونه فضاها در زندگی مردم شیراز نقش بسیار مهمی داشته‌اند. وجود فضاها با نیمه‌باز در کنار فضاها بسته و استفاده از این فضاها جهت فعالیت‌هایی مانند غذا خوردن (صبحانه و شام) و همچنین خوابیدن از گذشته میان مردم شیراز در زمان‌های مختلف، خصوصاً عصرها و شب‌ها در فصل‌های مختلف سال به دلیل اعتدال هوا، بسیار رایج بوده است. علاوه بر آنچه گفته شد، فعالیت‌های کوچک دیگری مانند درست کردن ترشی‌جات، مرباجات، آبلیموگیری و... در فضاها با نیمه‌باز انجام و در همان فضاها از آن‌ها نگهداری می‌شده است. در حالی که امروزه با از بین رفتن این فضاها به دلایلی چون آپارتمان‌نشینی و... فعالیت‌های انجام‌شده در این فضاها به فضاها داخل خانه انتقال یافته یا از بین رفته است. مطالب زیر در تصدیق این امر آورده شده است:

مهتاب شب چهاردهم بود. ماه جادوگری می‌کرد، گاهی مثل زنانی که صورت خود را از نامحرم پنهان می‌کنند،

می‌شد و به خرید برنج، روغن، حبوبات و سایر مایحتاج ختم می‌شد. تهیه‌ی این مواد هرکدام مراسمی داشت که چند روز باعث سرگرمی ما می‌شد. اول از همه تهیه‌ی آب غوره بود که زمان آن از اوایل تابستان بود. آب لیمو که مصرف کمتری داشت، در غرابه‌های بزرگ و آب غوره در غرابه‌های کوچک ریخته می‌شد و آن‌ها را در زیرزمین که هوای خنکی داشت، قرار می‌دادند (دادرس، ۱۳۸۷، ۱۳۱).

استفاده از مصالح بومی در فضاهای معماری و شهرسازی شیراز قدیم در ایجاد ارتباط میان این گونه فضاها با طبیعت مؤثر بوده است. چراکه این فضاها حتی در صورت از بین رفتن به چرخه‌ی طبیعت بازگشته و صدمه‌ای به آن وارد نمی‌کنند. از جمله مصالح به کاررفته در معماری ساختمان‌های شیراز، سنگ، چوب و گچ می‌باشد و این به دلیل وجود معادن سنگ ساختمانی، سنگ آهک و گچ در کوه‌های اطراف شیراز است. انواع چوب چنار، گردو، سپیدار نیز از باغ‌های اطراف شیراز و نی و جگن - جهت پوشش سقف

منازل — حصیر و بوریا، از مرداب‌های دریاچه‌ی نمک تهیه می‌شده است (طرح ساماندهی سیمای شهری شیراز، ۱۳۸۶). در خلق اصلی‌ترین فضای زندگی که خانه می‌باشد، نیز از مصالح بومی استفاده می‌شده است که به شرح زیر است:

در ساخت عناصر سازه‌ای خانه‌های شیراز، از مصالح مختلفی استفاده شده است. مصالح ساخت دیوارها از نوع خشتی و سنگی بوده و برای پوشش‌های زیرزمین و هشتی‌ها معمولاً به دلیل کافی بودن آن از خشت و آجر و پوشش‌های طبقه‌ی همکف و طبقات دیگر آن از چوب استفاده شده است. آجر یا فقط در نماسازی یا به صورت پشت و پیش، به کار می‌رفته است. ستون‌های چوبی تالارها، ایوان‌ها و داخل شاه‌نشین‌ها از دیگر عناصر باربر می‌باشند. در بیشتر خانه‌های مورد بررسی، چوب در ساخت پوشش سقف‌ها به کار رفته است. چوب‌ها از جنس سپیدار، صنوبر و نارون بوده و از هر کدام آن‌ها با توجه به ویژگی‌های خود در مکان‌های مختلف

استفاده شده است. چوب سپیدار به دلیل داشتن تارهای عمودی مناسب، در پوشش‌ها و کلاف‌های داخل دیوارها جای می‌گرفته است و از چوب چنار و گردو ارسی‌های زیبا را می‌ساختند. این چوب‌ها از مناطق نزدیک به شیراز و بیشتر سرحدات مثل اردکان یا سیوند تهیه می‌شده است. سنگ یکی دیگر از مصالح مهم در ساخت خانه‌ها بوده و به کارگیری آن بیشتر جنبه‌ی تزئینی داشته است. معادن (رخنه‌های) سنگ نیز در اطراف شیراز وجود داشته است. سنگ‌ها نیز بنابر قابلیت‌شان در قسمت‌های مختلف کاربرد داشته‌اند. متداول‌ترین نوع آن سنگ گندمکی بوده و یکی از انواع آن میخکی بوده است. انواع دیگر سنگ‌ها به نام‌های خاقانی، رودری، اتابکی (برای محل‌های نمناک)، قرمز و سیاه (در دو نوع سنگ سیاه آهکی و زرد) بوده‌اند (معماریان، ۱۳۸۴، ۱۱۶).

دقت در مطالب بالا و مقایسه‌ی آن با آنچه درباره‌ی فضاهای معماری و طبیعت شیراز گفته شد، حاکی از ارتباط روح شیرازی و خلق‌و‌خوی مردم — به عبارتی

طبیعت مردم شیراز — با فضاهای معماری و شهرسازی خلق شده دارد. علاقه به طبیعت و به کارگیری آن در فضاهای مذکور، استفاده از فضاهای باز و نیمه‌باز به صورت بارز در معماری، تنوع موجود در میان این فضاها و ایجاد فضاهای شاد، همه نشان از این هماهنگی میان طبیعت مردم با فضاهای معماری و شهرسازی دارد. به عنوان نمونه، مطلب زیر نشان از ارتباط میان فضاهای شادی است که روح شاد هنرمندان شیرازی خلق کرده است:

چنین به نظر می‌آید که هنرمندان شیرازی تخته‌رنگ پیشینیان خود را به دور انداخته و اصول جدیدی از باغ‌های باصفای شیراز را به عاریت گرفته‌اند. بته‌های گل سرخ روی کاشی‌های سفید خودنمایی می‌کنند و به مجموعه‌ی نقاشی‌های بدنه‌ی دیوارها منظره‌ی روشنی می‌دهند که در آن رنگ لاک‌ی شبیه به رنگ قرمز دانه تسلط دارد (دیولافوا، ۱۳۳۲، ۴۱۲).

مطالب بیان‌شده نشان می‌دهد که خانه‌های شیراز قدیم با آنچه امروزه دیده می‌شود و به راستی به شیراز این سرزمین

همیشه سبز تعلق ندارد، تفاوت فاحشی داشته است. معماری این شهر به طور کلی برون‌گرا بوده است و از مصالح بومی در ساخت این بناها بهره گرفته شده است. بناهای دیروز شهر شیراز منطبق بر ویژگی‌های آب‌وهوایی، اقلیم و فرهنگ و رفتار انسان‌ها تعریف و طراحی شده‌اند و در تطابق کامل با نیازهای انسان دیروز بوده‌اند.

تجزیه و تحلیل

مطالعات این پژوهش درباره ویژگیهای فرهنگ، معماری و طبیعت شهر شیراز در قالب جدول زیر گرد آمده است:

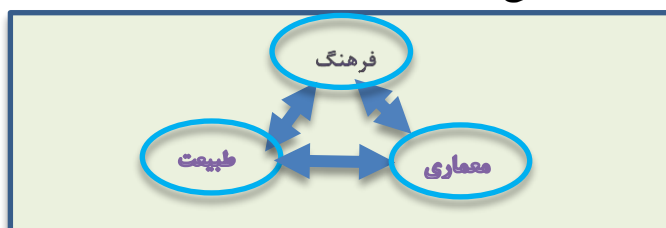
جدول شماره ۱: ویژگیهای فرهنگ، معماری و طبیعت در شیراز

معماری	فرهنگ (ویژگیهای مردم)	طبیعت			
		کوهها	آب	باغات	اقلیم
استفاده از فضاهای باز و نیمه باز	نیمه درونگرا	خرم دوست	صاف	محاط به کوههای مختلف	هوای چهار فصلش معتدل
	خانه‌هایی دارای حیاط‌های سرسبز	مردمان نامدار	مایل به حسنات و خیرات	پنج نهر در وسط شهر	رشد گیاهان سردسیری و گرمسیری
	فضاهای باز	مردمان پاک	غریب نواز	درختان نارنج	هوای عنبر آمیز
	دارای تالار و شاه نشین	مردمان خاکی	مهربان	درختان دریاچه مهارلو	خاک طرب خیز
	فضاهای نیمه باز	اهل گشت و گذار	دمساز	چشمه‌های فراوان	نسیم مشک بوی
	ایوان دار	درویش منش	دارای عالمان بسیار	ابی سحرآمیز	درختانی بی نظیر
				آب کوثر مثال	درختانی بسیار بلند و قطور

استفاده از طبیعت:	دارای حوض در حیاط	خوش ذوق	کریم		آب خوشگوار	طبیعتی مانند بهشت	اعتدال ربیعی
	دارای پوشش گیاهی در حیاط	اجتماعی	برج اولیا		آب روح افزا	باغات پر از سرو	بهشت روی زمین
	استفاده از رنگهای شاد	بانشاط	تنوع طلب		آب عین الحیات	شیراز پر گل	خاک حاصلخیز
	دارای زیرزمین	گیرنده	دارای خیالی خرم				تابستان خنک
	مصالح بومی		صوفی نهاد				

ماخذ: نگارندگان

مطالعات انجام شده نشان می دهد که طبیعت زیبا و سرسبز شیراز، اعتدال هوای آن و روحیهی علاقمند به طبیعت مردم، سبب شده است تا ایشان بیش از فضاهای بسته از فضاهای باز بهره گیرند. به شکلی که فضاهای زندگی از پشت دیوارهای بسته و تنگ به ایوانها و تالارها آورده شده و از آنجا با طبیعت زیبای حیاط خانه ها گره خورده است. حیاطهای سرسبز خانه های شیراز و کوشک ها و خانه باغ های مربوط به این دوره حکایت از همین امر دارد. آثار معماری شیراز حکایت از به کارگیری و استفاده از رنگ های شاد در مصالح، نقاشی ها، کاشی کاری ها و کاربرد فضای سبز و آب، در کنار عوامل مصنوع برای ایجاد فضاهایی سرزنده دارد. به کارگیری مصالح بومی توسط هنرمندان و معماران گامی دیگر در جهت ایجاد ارتباط میان معماری با طبیعت بوده است. اعتقاد مردم شیراز به نعمت حضور آب تا حدی بوده است که آن را برطرف کنندهی سحر و جادو می دانسته اند و این تفکر باعث ایجاد فضاهایی مانند حوضخانه ها در فضاهای زندگی و خانه های سستی شده است. آنچه گفته شد، تلاش هایی در جهت استحکام بیشتر پیوند میان فرهنگ و طبیعت با معماری شیراز بوده است.



نمودار ۱: ارتباط میان فرهنگ، طبیعت و معماری، ماخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری

آنچه از مطالعات انجام‌شده استنباط می‌گردد، نشان از ارتباط قوی میان سه عامل: «فرهنگ»، «معماری» و «طبیعت» شهر شیراز در گذشته دارد. در واقع انسان‌ها به عنوان نوعی واسطه بین طبیعت و معماری دست‌ساز خویش عمل کرده‌اند و فضاهایی آفریده‌اند که نشان از توجه ایشان به طبیعت درون خویش و طبیعت بیرون داشته است. به عبارتی دیگر، این ویژگی‌های سرزمینی در نحوه‌ی شکل‌گیری فضاهای معماری نقش بارزی داشته است. به گونه‌ای که می‌توان گفت معماری شیراز قدیم با طبیعت در هم آمیخته و قابل تفکیک نمی‌باشد. از سویی، خصوصیات فرهنگی این شهر در شکل‌گیری فضاهای زندگی نقش به‌سزایی داشته است. به گونه‌ای که پس از کسب شناخت کافی درباره‌ی این

ویژگی‌ها، با اندکی تأمل می‌توان تجسم این خصوصیات را در کالبد و روح معماری شیراز آن دوره مشاهده کرد و دریافت که طبیعت مردم در خلق فضاهای مصنوع چنان عمل کرده است که در نهایت، طبیعت درون ایشان با طبیعت بیرون پیوند خورده‌اند. این نکته می‌بایست امروزه برای طراحان قابل تأمل باشد؛ چراکه ساختمان‌هایی در شهر شیراز و حتی سایر کلان‌شهرهای ایران ساخته می‌شوند که به هیچ‌کجا تعلق ندارند. ساختمان‌هایی که دیگر نشانی از ارتباط با طبیعت و فرهنگ در آن‌ها وجود ندارد. ساختمان‌هایی که بدون توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات انسانی و مختصات محلی شیراز بنا می‌شوند و روح شیرازی‌ها نمی‌تواند در این ساختمان‌ها رشد کند و شعر بسراید. این امر نیز نتیجه‌ای جز از بین رفتن اندک‌اندک عوامل هویت‌ساز شهر شیراز نخواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله مستخرج از رساله/پایان نامه نمی‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- چاپ پنجم، انتشارات خوارزمی.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدا... (۱۳۳۷)، "رحله ابن بطوطه"، ترجمه: محمد علی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 - باردن، لورنس (۱۳۷۴)، "تحلیل محتوا"، ترجمه: محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 - براون، ادوارد گرانویل، "یک سال در میان ایرانیان"، ترجمه: ذبیح... منصوری، معرفت، تهران.
 - بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، "در سرزمین آفتاب"، ترجمه: مجید جلالوند، نشر مرکز، تهران.
 - بهشتی، محمد (۱۳۸۶)، "خانه و فرهنگ ایرانی"، فصلنامه آبادی، شماره ۵۵.
 - جوادی، حسن (۱۳۷۸)، "ایران از دیده سیاحان"، بوته، تهران.
 - جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸)، "شداالازار"، تصحیح: محمد قزوینی، تهران.
 - دادرس، سیروس (۱۳۸۳)، "آن روزها که مدرسه می رفتیم"، نوید، شیراز.
 - دانشور، سیمین (۱۳۵۲)، "سوشون"، زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین ابی الخیر (۱۳۵۰)، شیرازنامه، تصحیح: بهمن کریمی، بنیاد فرهنگ ایران.
 - روح الامینی، محمود (۱۳۶۸)، "زمینه ی فرهنگ شناسی"، تهران، انتشارات عطار.
 - ساسانی، خان ملک (۱۳۴۱)، "شاهد شیراز"، چاپخانه فردوسی، تهران.
 - سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۳)، بوستان "سعدی نامه". تصحیح و توضیح غالمحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
 - شاردن، ژان (۱۳۷۲)، "سفرنامه شاردن"، ترجمه: بهمن کریمی، توس، تهران.
 - شانور، آلبر (۱۳۳۵)، "کوروش کبیر"، ترجمه: هدایتی، دانشگاه تهران، تهران.
 - شیرازی، فرصت الدوله (۱۳۲۷)، "آثار عجم" چاپ مطبع ناصری.
 - شیرازی، حسن (۱۳۱۳)، "تاریخ فارسنامه ناصری"، سنایی، تهران.

- فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۲۴)، "سفرنامه - لیمبرت، جان (۱۳۸۱) " شیراز در روزگار
اوژن فلاندن به ایران"، روزنامه نقش
جهان. شیراز، شیراز.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، "تحلیل - محمدی، علی (۱۳۸۵)، " شیراز، بهشت
محتوا، مبانی روش شناسی"، ترجمه
ایران"، چاپ دوم، انتشارات تخت
هوشنگ نایینی، انتشارات روش. جمشید، شیراز.
- کلنگور، تریستان (۱۳۳۱)، "قطعه ادبی: - معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، "
گل شیراز"، مجله اطلاعات ماهانه،
گونه شناسی مسکونی، درونگرا".
شماره ۳۹. - مهندسین مشاور فجر توسعه (۱۳۸۶)، "
گوته، یوهان ولفگانگ (۱۳۸۰)، "دیوان طرح ساماندهی سیمای شهری شیراز"،
شرقی"، نخستین، تهران. شهرداری شیراز